

ضرورت راهبردها و راهکارهای امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه

ندا نبوی طباطبائی^۱

چکیده

اسلام به عنوان یک مکتب جامع و جاویدان، شامل اصول و احکام و تعالیم و برنامه‌هایی هدایت‌گر و تعالی بخش در همه ابعاد زندگی انسان اعم از فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و تربیتی می‌باشد و با توجه به اینکه در اسلام هم به خودسازی فردی و هم به صلاح و اصلاح جامعه توجه شده است، بنابراین در جامعه اسلامی باید زمینه برای رشد و کمال اخلاقی افراد جامعه فراهم شده و با انحرافات و منکرات با رعایت مراتب و شرایط برخورد گردد و با توجه به مسئولیت همه افراد در پیشگاه خداوند متعال در قبال اصلاح فرد و جامعه، امر به معروف و نهی از منکر که از اصول عملی و از واجبات و تکالیف مهم محسوب

می‌شود، باید در همه نهادها و سازمانها و از جمله نهادهای آموزشی و مراکز تعلیم و تربیت و خصوصاً دانشگاه‌ها، به عنوان یک مکانیسم مطلوب برای نظارت و کنترل و یکی از موثرترین و کارآمدترین شیوه‌ها و روش‌ها، برای راهنمایی افراد و تحقق اصلاحات اسلامی در جامعه و تحقق دانشگاه اسلامی مورد توجه قرار گیرد، دانشگاه با محیطی جوان، پر انرژی و با نشاط و مرتبط با فکر و اندیشه، نقش تاثیرگذار و تعیین‌کننده‌ای در وضعیت آینده کشور داشته و لذا هم دلسوزان به آن امید دارند و هم دشمنان به آن طمع دارند و چنین است که دانشگاه آوردگاه جبهه‌های متقابل بوده و دانشگاه‌ها اگر به مفهوم واقعی کلمه اسلامی باشد، می‌تواند حافظ دستاوردهای انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی و حافظ خون و آرمان شهدا باشد و لذا با توجه به نقش و تاثیر دانشگاه‌ها در جامعه، ضرورت و اهمیت بحث مشخص می‌گردد و در این مقاله سعی می‌شود تا با روش توصیفی-تحلیلی، پس از بررسی ویژگی‌های دوره جوانی و دانشجویی و جایگاه ویژه و مسئولیت و رسالت دانشگاه، مصادیق معروف و منکر در رابطه با مسئولین و اساتید و کارمندان و دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، دانشگاه، ضرورت‌های راهبردی امر به معروف و نهی از منکر

اهمیت طرح و بررسی موضوع:

با توجه به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در اسلام بعنوان یک اصل عملی مهم و یک وظیفه و مسئولیت همگانی و جایگاه این امر در نهضت‌های اسلامی و خصوصاً نهضت حسینی و انقلاب اسلامی و بعنوان یکی از عوامل اساسی برای حفظ اجتماع از انحراف و انحطاط و همچنین نقش این اصل در اصلاح و شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های بالقوه و تکامل فرد و جامعه و نیز با عنایت به اینکه امر به معروف و نهی از منکر، از کارآمدترین و

^۱ - مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

کارسازترین شیوه های تعامل اجتماعی محسوب می گردد و در قالب یک نظارت عمومی مطرح می باشد و گستردگی حیطه و حوزه آن در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان و از سوی دیگر با توجه به جایگاه دانشگاه در جامعه و نقش دانشجویان بعنوان قشر فرهیخته و سرمایه های فرهنگی و علمی جامعه و همچنین با توجه به تاثیر محیط و فضای دانشگاه بر شکل گیری شخصیت و هویت دانشجویان و نحوه نگرش آنها نسبت به فلسفه زندگی و انتخاب همسر و اشتغال و روابط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و همچنین آفات و آسیب هایی که ممکن است در این رابطه وجود داشته باشد، اهمیت موضوع مشخص می گردد.

پیشینه موضوع و بررسی متون موجود:

فرضیه مهم امر به معروف و نهی از منکر، در متون دینی (قرآن کریم و کتب روایی از معصومین ع) مطرح گردیده و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز آثار و تالیفات مفید و متعددی در سطوح مختلف در این رابطه تدوین و منتشر شده، ولی به نظر می رسد که در رابطه با بررسی امر به معروف و نهی از منکر، بصورت مشخص و خاص در مورد دانشگاه ها، کتابها و آثار چندانی عرضه نشده و لذا در این مقاله با استفاده از منابع موجود و با استفاده از تجربیاتی که در ارتباط با دانشگاه و دانشجویان حاصل گردیده، سعی شده تا موضوع مربوطه مورد بررسی قرار گیرد.

سوال اصلی: ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاه ها چیست؟ و مصادیق معروف و منکر در دانشگاه ها کدامند؟

سوالات فرعی: خصوصیات و ویژگیهای دوره جوانی و دانشجویی چگونه است؟ و مسئولیت و رسالت دانشجویان و دانشگاهیان در جامعه چیست؟ و توطئه های دشمنان اسلام در قبال دانشگاه ها کدامند؟ و ترک امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاهها چه عواقب و پیامدهایی به همراه دارد؟ و امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاهها چه آثار سازنده ای به همراه دارد؟

فرضیه تحقیق: مصادیق معروف و منکر در سطوح مختلف مدیریتی و آموزشی در رابطه با اساتید و دانشجویان و کارمندان و همچنین متون درسی و فضای دانشگاه ها، قابل بررسی بوده و با توجه به نقش و جایگاه ویژه دانشگاه و دانشگاهیان در وضعیت حال و آینده کشور، امر به معروف و نهی از منکر می تواند مکانیسم مطلوب و کارآمدی برای تعلیم و تربیت و تولید علم و شکوفایی و نوآوری و گامی در مسیر شکل گیری دانشگاه اسلامی و حفظ دانشگاه از انحرافات و آفات و آسیب ها و همچنین شیوه ای کار ساز برای مقابله با توطئه دشمنان اسلام در دانشگاهها باشد.

متغیرها: متغیر مستقل در این مقاله، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک اصل عملی و مهم در اسلام و متغیر وابسته، شناخت مصادیق معروف و منکر در دانشگاهها بعنوان مقدمه واجب و همچنین تولید علم و شکوفایی علمی و اخلاقی و فرآیند تربیت و انسان سازی در دانشگاه ها و پیشرفت و استقلال کشور می باشد.

روش تحقیق: در این مقاله برای جمع آوری مطالب مورد نیاز از روش مطالعه کتابخانه ای و فیش برداری از کتب و منابع موجود و برای طرح و بررسی مطالب از روش توصیفی و تحلیل محتوا استفاده شده است.

مقدمه:

در بینش اسلامی، انسان موجودی رها شده و بی هدف و بی آغاز و بی فرجام نیست و ابتدا و انتهای روشن دارد و هدف نهایی انسان، رسیدن به مقام عبودیت و کمال و قرب الهی و پیوند با خالق است و برای رسیدن به آن هدف، همواره در مسیر رشد و بالندگی باید سعی و تلاش کند و برای پیمودن مسیر و صراط مستقیم، نیازمند راه، راهنما و برنامه است. شناخت راه و راهنما و برنامه و نیز شناخت راهزنان و چگونگی مبارزه با آنان، امری ضروری و حیاتی است و عمل به برنامه ها و پیروی از راهنمایان الهی و مبارزه با راهزنان، همان اصلاح فرد و جامعه است و در مکتب جاودان و جامع اسلام، همه آنچه مورد نیاز زندگی بشر، برای اصلاح و سعادت و کمال بوده است بیان شده است و بنابراین ضرورت توجه دائم و پرداختن به اصلاحات در تمام زمینه ها روشن و بدیهی است و غفلت از آن، انسان را از راه و مسیر، منحرف و از هدف دور و گرفتار بیراهه می کند. امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت هشدار دائم و مراقبت لازم برای حرکت در آن مسیر اصلی و عمل بر اساس آن برنامه ها و پیروی از راهنمایان الهی است. امر به معروف، نهی از منکر، راهزنان را نشان می دهد و از افتادن به دام آنان بر حذر می دارد، امر به معروف و نهی از منکر همچون نورافکنی قوی و پر نور تا شعاع بسیار زیادی از اطراف انسان را روشن می سازد تا موقعیت خویش را دریابد و راه را از چاه و راهنمای دلسوز را از گرگ ریاکار و همچنین شاهد شفاعت عسل زندگی را از زهر کشنده مارهای به ظاهر زیبا و خوش و خط و خال، تشخیص دهد و لذا امر به معروف و نهی از منکر، بهترین و کارآمدترین روش برای اصلاح فرد و جامعه و تداوم آن می باشد.

امر به معروف و نهی از منکر، نظارت عمومی و مراقبت همگانی در جهت اصلاح جامعه در مسیر هدایت و رشد و کمال و مبین تعهد نسبت به احکام و تعالیم الهی و ارزشهای اخلاقی است. (محدثی، 1381)

هر چه را که از دیدگاه عقل یا شرع، خوب و پسندیده باشد، معروف محسوب شده و ترغیب و تشویق دیگران به انجام آن، امر به معروف نامیده می شود و آنچه را که از نظر عقل یا شرع، ناپسند و مذموم و نامطلوب باشد، منکر محسوب شده و بازداشتن و مانع شدن دیگران از انجام آن، نهی از منکر می باشد. منکر، نمایانگر رفتار و نگرش انحرافی نسبت به معیارهای عقلانی و اخلاقی و مذهبی در جامعه است و نهی از منکر، تقبیح و منع اموری است که شریعت آن را قبیح شمرده و جایز نیست. (کوچنایی، 1376) منکر در فرهنگ معین به معنای زشت و ناپسند و قول و فعلی که بر خلاف رضای خدا باشد آمده و فرهنگ عمید آن را کار زشت و خلاف شرع و ناپسند و ناشایسته معنا نموده است. در لغت نامه دهخدا نیز واژه منکر به معنای ناروا، قبیح و ناشایسته آمده و در متون ادبیات فارسی نیز این واژه بعنوان کار زشت و قبیح مطرح شده، سعدی در بوستان می گوید:

گرت نهی از منکر برآید زدست نباید چو بی دست و پایان نشست

منکرات، افکار و اعمال و رفتاری هستند که انسان را از ارزشها و معیارها و فضیلتهای اخلاقی و اصول انسانی دور نموده و جامعه را دچار گمراهی و انحراف و انحطاط می نماید و از دیدگاه اسلام و فطرت پاک الهی و طبع سلیم و

عقل مستقیم، مورد نکوهش قرار گرفته و در همین راستا، نهی از منکر، بازداشتن افراد از معصیت و انحراف و گمراهی است. (صارمی، 1380) هر انسانی، نسبت به کارهای ناپسندی که در جامعه انجام می پذیرد و یا کارهای نیک و پسندیده ای که ترک می شود، مسئولیت دارد، بنابراین اگر کار واجبی ترک شود و یا حرامی اتفاق بیفتد، سکوت و بی تفاوتی در مقابل آن جایز نیست و افراد جامعه باید برای برپایی واجب و جلوگیری از حرام اقدام کنند، (فلاح زاده، 1380) اینکه چه اموری معروف و منکر محسوب می شود، در قرآن کریم و در احادیث و روایات معصومین (ع) بیان گردیده و بطور کلی در احکام دین، واجبات و مستحبات در حوزه «معروف» و محرمات و مکروهات در حوزه «منکر» قرار می گیرد و معروفی که ترک شده، اگر واجب باشد، امر به آن واجب و اگر مستحب باشد، امر به آن مستحب خواهد بود و منکر، اگر حرام باشد، نهی از آن واجب و اگر مکروه باشد، نهی از آن مستحب خواهد بود. (مسعودی، 1380) در آموزه های اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر مورد توجه قرار گرفته و در قرآن کریم از اوصاف پیامبران الهی شمرده است² (با توجه به اینکه هدف انبیاء اصلاح جامعه بوده) و همچنین یکی از ویژگی های انسانهای مومن و صالح می باشد³ (با توجه به اینکه آنها نیز پیرو پیامبران الهی و بدنبال اصلاح جامعه هستند) و نیز ویژگی بهترین امت محسوب شده است.⁴

در احادیث و روایات نیز این اصل مهم مورد توجه قرار گرفته و در مقایسه با دیگر کارهای نیکو، سرآمد و پایه و اساس آنها محسوب می شود⁵ امر به معروف و نهی از منکر نوعی جهاد است.⁶ کسی که دستور دهنده به کار نیک باشد، پس باید عملش نیز به نیکی باشد⁷ حتماً امر به معروف و نهی از منکر نماینده زیرا در غیر این صورت افراد خوب شما دعا می کنند، ولی دعایشان مستجاب نمی شود.⁸ مردم را از حرام و منکرات بازدارید و خود هم مرتکب نشوید، زیرا دستور داده شده اید که ابتدا خود محرمات را ترک نموده و سپس مردم را بازدارید⁹ همانا امر به معروف و نهی از منکر، دو صفت از اوصاف پروردگارانند.¹⁰ خداوند امر به معروف را برای اصلاح امور مردم ناآگاه و نهی از منکر را برای بازداشتن بی خردان از زشتی ها مقدر فرمود.¹¹ خدای سبحان، مردم روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت، مگر برای ترک امر به معروف و نهی از منکر.¹² تارک امر به معروف و نهی از منکر

2 - سوره مریم، آیه 55- سوره اعراف، آیه 157

3 - سوره توبه، آیه 112- سوره حج، آیه 38 تا 41- سوره آل عمران، آیه 114

4 - سوره آل عمران، آیه 110

5 - نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی، قم انتشارات محدث، چاپ اول 1385، ص 515 حکمت 374

6 - نهج الفصاحه، مترجم: علی اکبر میرزایی، قم انتشارات چاف، چاپ اول 1385، ص 99

7 - نهج الفصاحه، منبع پیشین، ص 100

8 - نهج الفصاحه، منبع پیشین، ص 100

9 - نهج البلاغه، منبع پیشین، ص 137، خطبه 105

10 - نهج البلاغه، منبع پیشین، ص 207، خطبه 156

11 - نهج البلاغه، منبع پیشین، ص 487، حکمت 252

12 - نهج البلاغه، منبع پیشین، ص 283، خطبه 192

همچون

مرده ای در میان زندگان است^{۱۳} به نیکی ها امر کن و خود نیز نیکوکار باش و بدی ها را نهی کن و در راه خدا آنگونه که شایسته است تلاش کن و هرگز سرزنش ملامت گران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد.^{۱۴}

در قرآن کریم در رابطه با اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر، آیات متعددی وجود دارد و از جمله: «ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون»^{۱۵}؛ (باید عده ای از شما باشند که دعوت به خیر و نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان رستگارانند)، «یا بنی اقم الصوه و امر بالمعروف و انهی عن المنکر و اصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور»^{۱۶}؛ (پسرم، نماز را بر پای دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و به آنچه در این راه بر تو می رسد شکیبا باش، این نشانه ای از عزم تو و تصمیم در امور است). «الذین ان مکننا هم فی الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر. .»^{۱۷} (مومنان) (کسانی هستند که اگر به آنان قدرت و امکانات در روی زمین بدهیم نماز بر پا می دارند، زکات می پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند). در آیه ی دیگر انسانهای صالح کسانی شمرده اند که در کنار ایمان به خدا و قیامت، امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در کارهای شایسته و خیر پیش قدم می شوند: «یومنون بالله و الیوم الاخر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین»^{۱۸} و از پیامبر اکرم (ص) یاد می شود که مردم را امر به معروف و نهی از منکر می فرمودند: «بامرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر. .»^{۱۹}

امر به معروف و نهی از منکر در روایات همچنین بعنوان فرضیه بزرگ الهی و از اعمال با فضیلت و نشانه دینداری (مسعودی، 1383) و از ویژگیهای بهترین مردم محسوب شده^{۲۰} و حتی امام حسین (ع) یکی از عوامل مهم قیام عاشورا امر به معروف و نهی از منکر مطرح فرمودند: «من برای اصلاح امور امت جدم رسول الله قیام کرده ام و می خواهم امر به معروف و نهی از منکر نمایم.» (محمدی اشتهاردی، 1381) در بخشی از زیارت امام حسین (ع) نیز می خوانیم: «اشهد انک قد اقامت الصلوه و اتیت الزکاه و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر» (قمی، 1379) بنابراین مطالعه متون دینی نشان می دهد که امر به معروف و نهی از منکر یکی از تعلیمات اجتماعی اسلام است. (مطهری، 1378) و کمال و اصلاح، وابسته به امر به معروف و نهی از منکر است. (آیت ا. . خامنه‌ای، 1370) و در

¹³ - نهج البلاغه، منبع پیشین، ص 515، حکمت 374

¹⁴ - نهج البلاغه، منبع پیشین، ص 317، نامه 31

¹⁵ - سوره آل عمران، آیه 104

¹⁶ - سوره لقمان، آیه 17

¹⁷ - سوره حج، آیه 41

¹⁸ - سوره آل عمران، آیه 114

¹⁹ - سوره اعراف، آیه 157

²⁰ - نهج الفصاحه، مترجم: علی اکبر میرزایی، قم، انتشارات چاف، چاپ اول، 1385، ص 100

نظام اسلامی هیچ فردی از امر به معروف و نهی از منکر مستثنا نیست (شریفی، 1386) و لازمه امر به معروف و نهی از منکر، محبت قلبی و احساس مسئولیت و علاقه مومنان به سرنوشت یکدیگر می باشد. (مطهری، 1382) و با توجه به اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این امر مهم اختصاص یافته است: «در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند.» (قانون اساسی، اصل هشتم، 1385)، «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعضی یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر». ²¹ بنابراین با توجه به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و از سوی دیگر با توجه به نقش و جایگاه دانشگاهها در تعیین سرنوشت کشور، ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاهها مشخص می گردد. امام خمینی (ره) در وصیتنامه سیاسی - الهی خویش در رابطه با اهمیت دانشگاهها فرموده اند: «از امور بسیار با اهمیت و سرنوشت ساز مراکز تعلیم و تربیت است» (حاضری، 1378) از دیدگاه امام (ره) یکی از توطئه های بزرگ دشمنان: «به دست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت و خصوصاً دانشگاهها است که مقررات کشورها در دست محصولات آنهاست. و اما در دانشگاه، نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزشهای خودی منحرف کنند» (شاه آبادی، 1382) و همچنین: «نجات دانشگاه از انحراف، نجات کشور و ملت است.» (امام خمینی (ره)، 1380)

ویژگیهای دانشجوی: آگاهی طلبی و پرسشگری، عقل گرایی و پیشرو بودن و نشاط و حقیقت جویی و آرمانگرایی:

دانشجویان بعنوان قشر فرهیخته جامعه که عمدتاً نیز جوان می باشند دارای ویژگیها و شرایطی می باشند که این ویژگیها در محیط و فضای دانشگاه نیز وجود دارد، یکی از خصوصیات دانشجوی، طالب آگاهی بودن است. دانشجوی به مقتضای طبیعت جوانی و روحیه شور و نشاط و شادابی که دارد از روحیه پرسشگری و تفکر انتقادی برخوردار می باشد و به پیروی از ذات علم، انسانهای تعقل گرا، استدلالگر و منطقی هستند و اهل تفکر و تعقل هستند و به این اعتبار روشنفکر محسوب می شوند و در تمام صحنه ها و زمینه ها، پیشرو و پیشگام بوده و نسبت به وضعیت جامعه و ضعف ها و نارسائیها دغدغه و حساسیت و احساس مسئولیت دارند، چرا که آرمانگرا و عدالت طلب و دارای روح پاک و متعهد و ذهن فعال و پویا می باشند و همچنین روحیه استقلال طلبی و استکبار ستیزی دارند. مقام معظم رهبری، ضمن طرح ویژگیهای دانشجوی، تحلیل روشنی از این خصلت ممتاز نسل دانشجوی ارائه فرموده اند: «در همه جای دنیا، دانشجویان، یکی از قشرهای پیشرو هستند، علت هم واضح است، روح نآلوده جوان، هنگامی که با ذهن و فکر روشن ناشی از تحصیل و با دید بصیر و آگاه همراه می شود، ترکیب خیلی ممتاز و

فاخری به وجود می آورد، آن ترکیب همان دانشجو است. « (مقام معظم رهبری، 1383) بنابراین دانشگاه می تواند مرکز و کانونی برای سازندگی علمی و اخلاقی و فکری و معنوی و آموزش و پرورش و پژوهش همراه با نظم و انضباط و کانون پیشرو برای نوآوری و توسعه و پیشرفت در جامعه باشد.

مصادیق معروف در دانشگاهها:

1- تهذیب و تزکیه و تربیت و انسان سازی

دانشگاه می تواند محیطی سرشار از معنویت و مکارم اخلاق به منظور رشد و تعالی فردی و تربیت صحیح و تزکیه و تهذیب نفس باشد که باعث اعتلاء شخصیت معنوی و اخلاقی و زمینه ساز حیات طیبه برای افراد باشد و این ویژگی بیشتر در ارتباط با مولفه های دانشجو، استاد و مدیریت دانشگاه است که ابعاد دیگر نیز از آن بی نصیب نمی ماند و البته فراهم شدن شرایط مطلوب برای رشد و تعالی فکری و مذهبی دانشجویان و تربیت صحیح و اعتلای مکارم اخلاقی، یکی از مسئولیتهای سنگین مسئولان آموزش عالی و مدیریت و اساتید دانشگاهها می باشد. دانشگاهها باید محل انسان سازی به مفهوم واقعی کلمه و تعمیق اعتقادات و ارزشها و فرهنگ مذهبی و خودسازی در میان دانشجویان باشد. و بنابراین باید در دانشگاهها علاوه بر علوم مادی به علوم معنوی و علم اخلاق نیز توجه شود، همانطور که بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی، امام خمینی (ره) در وصیتنامه سیاسی الهی خویش فرموده اند: «و از بالاترین و والاترین حوزه هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد، علوم معنوی اسلامی از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله - رزقنا الله و ایاکم - که جهاد اکبر می باشد.» (امام خمینی (ره)، 1380) مقام معظم رهبری نیز در این مورد می فرمایند: «علم اخلاق را در کتابها می شود یاد گرفت، اما مصرف کردن اخلاق اصل است، باید کیفیت اخلاقی پیدا کرد» (مقام معظم رهبری، 1383)

2- تعلیم و تعلم و تفکر و تعقل و تحقیق و پژوهش:

در دین اسلام آموزش و یادگیری علم و دانش و تفکر و تدبیر و استدلال از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد (مزروعی، 1386) و همچنین کنجکاوی و تفکر عقلی مورد تحسین قرار گرفته (طباطبایی، 1373) و طلب علم از گهواره تا گور ضروری و یکی از دلایل شکوفایی تمدن اسلامی بوده (جواهری، 1377) و بر اساس فرموده پیامبر اسلام (ص): «طلب علم برای هر مسلمانی فریضه می باشد» (طباطبایی، 1373) و در نظام تربیتی اسلام، به تفکر و تعقل و هم زمانی آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت توجه شده است. (ناصر، 1380) بنابراین با توجه به روحیه پرسشگر و کنجکاو دانشجویان، باید علاوه بر آموزش علم و دانش و پاسخگویی مناسب به ابهامات و سوالات مطرح شده، نحوه تفکر صحیح و نحوه تحقیق و پژوهش آموزش داده شود و دانشجو باید تفکر صحیح و منطقی و بررسی عمیق علمی را از مطالعه سطحی و مغالطه های فکری باز شناسد و با تمرین و ممارست، مهارت نحوه تفکر صحیح را حتی در برخورد با مشکلات و مهارتهای زندگی کسب نماید، (عزیزیان، 1385) تا خود نیز بتواند بدنبال یافتن پاسخ های مناسب برای کشف مجهولات و سوالات ذهنی و مسایل زندگی خویش باشد و عبارت دیگر اگر

در دانشگاهها روش تفکر و روش تحقیق و نیز آموزش داده شود، دانشجویان می توانند از اندوخته های علمی خود بصورت کاربردی نیز استفاده کنند.

3- تولید علم و نهضت نرم افزاری:

یکی از مراکز مهم تولید علم می تواند دانشگاهها باشد و بعبارت دیگر در فرآیند تولید علم و نهضت نرم افزاری، اساس و محور، نیروی انسانی متعهد و کارآمد می باشد که تربیت آنها عمدتاً بر عهده دانشگاههاست و باید توجه داشت که توسعه و پیشرفت و تحول سازنده در همه جوامع از توسعه علمی آغاز می شود، اگر علم توسعه پیدا کند و فرهنگ تولید علم نهادینه شود، اقتصاد و مدیریت و... هم توسعه می یابد و لازمه توسعه علمی، تولید علم است و دانشگاهها و موسسات آموزش عالی بعنوان نهادهای علمی، پایگاه و خاستگاه توسعه علمی محسوب می شوند و فرآیند تولید، انتقال، توزیع و ترویج علم و دانش عمدتاً در دانشگاهها شکل می گیرد و البته یکی از عوامل اصلی زمینه ساز برای تولید علم، سالم سازی گفتگوها و تشکیل کرسی های نظریه پردازی و نهادسازی برای پاسخگویی به پرسشها و تلاش برای بومی سازی علوم، خصوصاً علوم انسانی مانند جامعه شناسی، مشاوره، حقوق و علوم سیاسی و مدیریت و... و با حفظ ارزشها و اصول اعتقادی و مذهبی می باشد. انقلاب اسلامی در حقیقت احیاگر نهضت تولید علم در جهان اسلام بوده و بسیاری از مسلمانان جهان چشم امید به پیشرفت های جمهوری اسلامی دوخته اند و لذا باید از این فرصت و موهبت الهی استفاده کرده و بجای تقلید کورکورانه از غرب، خود بدنبال تولید علم در همه قلمروهای علوم، مانند علوم و رشته های نظری و عملی و علوم پایه و علوم کاربردی و علوم انسانی و اجتماعی بوده و میان علوم نظری و عملی پیوند برقرار نموده تا بتوانیم از علوم نظری، بصورت کاربردی برای تولید فناوری و خدمت به توسعه و پیشرفت جامعه استفاده نمائیم چرا که توسعه فناوری نیز مستلزم تولید علم و توسعه علمی می باشد.

مقام معظم رهبری در این مورد می فرمایند: «دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم افزاری همه جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا آن کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و باقالبها و نوآوریهای علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزشهای اسلامی را بالا ببرند» (نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، 1384).

4- نوآوری و شکوفایی:

دانشگاهها می توانند در جهت پرورش استعدادها و ظرفیتهای انسانی و تربیت محققان و فرهیختگان علوم و فنون نقش مهمی داشته باشند و البته در این مسیر باید به وفاداری به اصول و ارزشهای مذهبی و به عزم و بیداری و خودآگاهی و آزاد اندیشی و اخلاق و منطق توجه شود. چرا که راه توسعه و پیشرفت نه در جمود و تحجر و نه در خود باختگی و تقلید، بلکه در نشاط اجتهادی و تولید فکر علمی و دینی می باشد. نوآوری و شکوفایی، مستلزم توجه به روحیه علمی و جستجوگری و پژوهش محوری و سرمایه گذاری در زمینه های پژوهشی و توسعه مراکز تحقیقاتی و تقویت انجمن های علمی و بهره وری و استفاده بهینه از امکانات موجود و گسترش افق اندیشه و

کنجکاوی پیرامون جهان مختلف و سیر در آیات آفاقی و انفسی و آموزش نحوه تفکر صحیح و منطقی و توانایی بهره‌گیری از منابع و پژوهش در جهت تولید علم و نظریه و اختراع و اکتشاف می‌باشد. البته دروازه‌های مراکز علم و دانش و تحقیق باید به روی همه علاقمندان باز باشد و برای دانشجویان، امکانات رشد علمی و تحصیل و تحقیق مانند اساتید متخصص و متعهد و کتابخانه و امکانات آزمایشگاهی و انتشار مجلات علمی و تخصصی و شناسایی حقوق مالکیت معنوی و حمایت قانونی از آنها فراهم شده و به و احداث پارکها و شهرکهای علمی و تحقیقاتی و تقویت اعتماد به نفس و خودباوری در بین دانشجویان توجه شود.

5- آموزش معارف اسلامی و تربیت دینی و برگزاری نماز جماعت و مراسم مذهبی:

در دانشگاهها دروس معارف اسلامی از جمله درسهای عمومی برای همه رشته‌های تحصیلی می‌باشد که می‌تواند در تربیت اسلامی دانشجویان تاثیر گذار باشد از سوی دیگر حضور در مسائل اجتماعی و نماز جماعت یکی از تاکیدات و سفارشات مهم پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع) بوده است. (شعاع، 1383) و یکی از امور معروف و پسندیده در دانشگاهها برگزاری نماز جماعت می‌باشد که به حمد الهی معمولاً با حضور قابل توجهی از دانشجویان برگزار می‌شود و البته با توجه بیشتر و فراهم نمودن شرایط مناسب تر امکان جذب تعداد بیشتری از دانشجویان و اساتید و... وجود دارد و بعد از نماز فرصت مناسبی برای طرح نکته‌های فقهی و اخلاقی مثلاً در زمینه حفظ حجاب اسلامی و... می‌باشد برگزاری دیگر مراسم مذهبی نیز مانند مراسم اعتکاف (که البته در برخی دانشگاهها مانند دانشگاه تهران برگزار می‌شود) و مراسم بزرگداشت میلاد معصومین و یا مراسم عزاداری و سوگواری به مناسبت رحلت و شهادت معصومین و مراسم افطاری و همچنین برگزاری اردوهای فرهنگی و زیارتی مانند عمره دانشجویی و اردوی قم - جمکران و مشهد مقدس و اردوهای ورزشی مانند کوه پیمایی و بازدید از مکانهایی مانند موزه عبرت و موزه شهدا و برگزاری مسابقات کتابخوانی بعنوان نمونه از آثار استاد شهید مطهری و وجود کتابهای مفید و مذهبی در کتابخانه‌ها، نصب پوسترهایی که حاوی نکات آموزنده و اخلاقی باشد و ترجمه آیات و روایات بر دیوار تابلو اعلانات دانشکده‌ها و انجمن‌های اسلامی و تشکل‌هایی مانند بسیج دانشجویی که می‌توانند در هدایت و نظم بخشی به فعالیت دانشجویان تاثیر مثبتی داشته باشد.

و همچنین فعالیت انجمن‌های علمی و انجمن‌های اسلامی و تشکل‌های دانشجویی مانند بسیج دانشجویی و وجود روح اخوت و صمیمیت میان اعضای هر مجموعه و روحیه تقسیم کار، مدیریت و مشورت و تصمیم‌گیری جمعی و انتشار نشریات دانشجویی که البته باید با حفظ اصول و رعایت مقررات مربوطه و تحت نظارت مسئولین دانشگاه صورت گیرد و نیز برگزاری کارگاههای آموزشی مانند اعتماد به نفس، ازدواج موفق، مهارتهای زندگی و... می‌تواند از جمله فعالیتهای مفید در هویت بخشی به دانشجویان باشد.

مصادیق منکر در دانشگاهها:

بعضی از مصادیق منکر در دانشگاهها به سطح مدیریت (اعم از مدیریت دانشگاه، مدیریت فرهنگی، آموزشی و...) مربوط می‌گردد مانند عدم تدبیر و سوء مدیریت و جناح‌گرایی سیاسی و عدم توجه به مسئولیت اصلی در رابطه با گسترش روحیه علمی و اخلاق اسلامی و عدم نظارت کافی بر فعالیت تشکل‌ها و نشریات دانشجویی و نحوه برگزاری اردوهای دانشجویی و عدم رسیدگی به فضای نمازخانه و همچنین جاه‌طلبی و تکبر ریاست طلبی و غرور و خودپسندی و خودرأیی و عدم مشورت با صاحب‌نظران و عدم ارتباط با دانشجویان است که این مشکل ممکن است در رابطه با برخی اساتید نیز وجود داشته باشد که در این صورت ممکن است منجر به تحقیر شخصیت دانشجو شود. از جمله آفات دیگری که در رابطه با آموزش و اساتید ممکن است مطرح باشد عدم تعهد نسبت به موازین شرعی و نحوه نگرش نسبت به معلمی، نه بعنوان شغل انبیاء و یک عشق مقدس، بلکه بعنوان یک شغل درآمدزا و با پرستیژ و همچنین از خود بیگانگی و غرزدگی می‌باشد که در این صورت خصوصاً در رشته‌های زیر مجموعه علوم انسانی مانند حقوق، علوم سیاسی، روان‌شناسی و مشاوره و... ممکن است شبهاتی نسبت به اسلام مطرح شود و دانشجو چون استاد خود را صاحب نظر بداند شبهات مطرح شده در ذهنش باقی مانده و بدنبال یافتن پاسخ برای آن نباشد و از سوی دیگر این مسئله می‌تواند روابطه سالم استاد و شاگردی را تحت تاثیر قرار دهد و باید توجه داشت که عرصه تدریس تیغ تیز و دولبه‌ای است که هم می‌تواند زمینه «خدمت» و تحصیل توشه‌ای برای آخرت باشد و گاهی نیز پرتگاهی هولناک و متأسفانه زمینه ساز «خیانت» گردد، چرا که سر و کار یک استاد با روح و روان و اندیشه و تفکر انسانهاست و بنابراین اساتید بعنوان تاثیر گذارترین گروه بر دانشجویان باید افرادی متعهد و متخصص و شایسته و دیندار متخلق به اخلاق اسلامی بوده و یا حداقل اگر تعهد اسلامی ندارند، فقط منتقل‌کننده علم و دانش خود به دانشجویان بوده و تاثیر منفی نداشته باشند و معاند هم نباشند در این رابطه امام خمینی (ره) در وصیت نامه سیاسی - الهی خویش فرموده اند: «بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همه اعصار، که نگذارند عناصر فاسد دارای مکتبهای انحرافی یا گرایش به غرب و شرق در دانشگاهها و سایر مراکز تعلیم تربیت نفوذ کنند» (ملکی، 1382) مقام معظم رهبری نیز در این مورد فرموده اند: «آن کسانی که در دانشگاه بخواهند ایمان اسلامی و ایمان انقلابی را نادیده بگیرند و بخواهند با آن برخورد بکنند، بدون تردید بدانید که حتی اگر جواهر هم باشند از آنان می‌گذریم و مثل دندان فاسدی آنان را می‌کنیم و بیرون می‌اندازیم.» (مقام معظم رهبر، 1383) البته بر خورد معاندانه با اسلام و انقلاب شیوه‌های گوناگون دارد و گاه در قالب سخن و طعن و نیش و کنایه و... خود را نشان می‌دهد و گاه در رفتار و عملکرد بروز پیدا می‌کند. «گاهی هست که استادی حرف هم نمی‌زند اما آن چنان رفتار می‌کند که در کلاس او دختر چادری احساس هضم می‌کند، احساس می‌کند که دارد آب می‌شود، احساس می‌کند که محکوم است. . . بخصوص در آن جایی که آن استاد گلوگاهی را گرفته است یعنی نقطه امتحان، نقطه شهادت و اعلام نظر، آن جا مواظب باشید که ارزشهای اسلامی، صد در صد ارزشهای غالب و حاکم باشد» (دفترمقام معظم رهبری، 1383) و نیز باید به روح علمی توجه شده و قداست علم از آلودگیها حفظ شود. «آن استادی که بناست بیاید علمی را بیاموزاند و اعتقادی را که روح آن علم است بگیرد و از بین ببرد، نباید بیاید، این دزد و مضر است.» (مقام معظم رهبری، 1383) پس علاوه بر علم و دانش و تخصص، افکار و

رفتار و حتی نحوه پوشش اساتید نیز باید مناسب باشد و بعنوان نمونه بد حجابی در میان بانوان اساتید می تواند الگوی نامطلوبی برای دانشجویان باشد و در روابط استاد و دانشجو موازین اسلامی و حریم و حدود شرعی خصوصاً در رابطه با جنس مخالف که نامحرم محسوب می شود رعایت گردد. در بعد رفتاری پوشش نامناسب و عدم رعایت نظم و انضباط و حضور نامنظم و تاخیر در شروع کلاس و تعجیل در خاتمه کلاس و عدم استفاده بهینه از وقت کلاس و الزام دانشجویان به ارائه کنفرانس، اگر فقط برای پر کردن وقت باشد و یا الزام دانشجویان به ترجمه متون و تکالیف غیر مرتبط، اگر برای ترجمه یک کتاب به اسم خود استاد باشد و نیز معرفی کتاب خود، برای فروش بیشتر، آنهم در شرایطی که منابع بهتر موجود باشد و همچنین تکبر و خودنمایی و خودستایی و تجمل گرایی در نوع پوشش و وسیله نقلیه و عدم وفای به عهد و تبعیض در امر تعلیم و تربیت و بخل در ارائه علم و دانش و بکارگیری نامناسب تشویق و تنبیه و سخت گیری ها و سهل گیری های افراطی و انتقاد ناپذیری و عدم رعایت آداب بحث و مناظره و عصبانیت و عدم کنترل خشم و غضب و رفتارهای ناشایست نامتناسب با شأن استادی مانند خنده های بلند و عدم رعایت عفت نگاه و نگاههای مسموم و آلوده و توجه بیشتر به دانشجویان بزرگ کرده و بدحجاب و ص... حجت در اتاق های در بسته با جنس مخالف و بگویند و قدم زدن و گفتگو از فاصله ای بسیار نزدیک و غیر متعارف (چهره به چهره) با دانشجوی جنس مخالف و همچنین جناح گرایی سیاسی و تبلیغ برای کاندیداهای جناح خود در زمان انتخابات و تخریب جناح مخالف و سوء استفاده از امکانات بیت المال و دانشگاه و سوء استفاده از موقعیت های اجتماعی و خطاهای لسانی نظیر اهانت و جسارت و تحقیر شخصیت دانشجو، غیبت و تهمت و استهزاء و تمسخر و مراء و جدل لفظی برای اثبات برتری خود (و نه برای اثبات حقیقت) و دروغ و طعنه و نیش و ملامت و زخم زبان و سیاه نمایی وضعیت جامعه و ایجاد ناامیدی و استفاده از کلمات سخیف و طنزهای ناشایست و شوخی های جلف و سبک و کثرت مزاح و افراط در شوخی و همچنین سخنان منافی عزت نفس مانند اظهار در فقر و سختی گذران امرار معاش با درآمد معلمی و ابراز اینکه علت روی آوردن او به امر تدریس، ناچاری و فقدان شغل دیگری بوده و استفاده از کلماتی که این مطلب را به ذهن می رساند که او می خواهد از دانشجویان خود بهره های مادی ببرد، مانند اینکه شغل پدر و وضعیت مادی آنها را بپرسد و یا از آنها تقاضای انجام کار شخصی را داشته باشد، و همچنین تبعیض قائل شدن بین دانشجویان بخاطر ثروت و یا شغل پدر برخی دانشجویان؛ این رفتارها و گفتارها و نحوه برخورد، در شأن استاد نبوده و باعث ایجاد آسفتگی ذهنی و یأس و ناامیدی در دانشجویان می گردد و نباید فراموش کرد که دانشجو، بعنوان یک امانت الهی در نزد استاد قرار داشته و استاد باید همچون پدر و مادر برای دانشجویان دلسوز و متعهد و در زمینه ارائه معلومات صحیح و دور از هر گونه انحراف و حفظ عفت و پاکدامنی متعلمین و در حفظ وقت و استفاده صحیح و بهینه از فرصت ها، امانتدار باشد و باید توجه داشت که اگر استاد به خودسازی و تهذیب نفس توجه نداشته باشد و راه را گم کرده باشد، نمی تواند راهنمای خوبی برای دیگران باشد، و لذا حضرت علی (ع) می فرماید: «زله العالم کانکسار السفینه تغرق و یغرق معها خلق»؛ (لغزش و انحراف یک عالم مانند شکستن کشتی است که هم خود و هم کسانی را که در آن هستند، غرق خواهند شد) (دفتر نشر معارف، 1383).

ضعف ایمان و سستی اعتقادات مذهبی و بی توجهی نسبت به فرایض و واجبات مانند عدم حضور اساتید و مسئولان دانشگاه بدون دلیل موجه در نماز جماعت و عدم اعتقاد و التزام عملی نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و از جمله اصل ولایت فقیه و قومیت گرایی و اعتقاد به سکولاریسم و جدایی دین از سیاست و استفاده ابزاری از دانشجو و شهرت طلبی و دنیا پرستی و شتابزدگی و بدزبانی و نفاق و دورویی و غفلت از دشمن و عدم توجه به دشمن شناسی و تقلید کورکورانه از بیگانگان و ترویج فرهنگ غربی و بی تفاوتی نسبت به مسئولیت و ارزشهای انقلاب و مدگرایی مبتذل در پوشش و بدحجابی و کم کاری و نادیده انگاشتن ارزشها و دستاوردهای انقلاب و منزوی کردن دانشجویان متدین و مذهبی و حزب الهی و شایعه پراکنی و تبلیغات به نفع دشمن

می توانند مصادیق منکر باشند.

مصادیق منکر در سطح کارمندان هم تقریباً مشابه سطح مدیریت و اساتید می باشد مانند کم کاری که بر خلاف امانت و صداقت است (ذاکری، 1384) همچنین عدم وجود فرهنگ کار و انضباط اجتماعی و عدم پاسخگویی صحیح به دانشجو و موکول نمودن امور اداری به زمان دیگر بدون دلیل موجه و برخورد نامناسب و تند و خشن با دانشجو و عدم تخصص کافی در زمینه مسئولیت مربوطه و حسادت نسبت به سایر همکاران و سوء ظن و بدبینی و عیب جویی از دیگران و غرور و خودستایی و تکبر نسبت به مراجعان و دانشجویان و مسخره کردن و استهزاء دیگران و سخن چینی و بیهوده گویی و منت گذاری بنحاطر انجام وظیفه و همچنین ریاست طلبی و بی تفاوتی نسبت به مسئولیت و سهل انگاری در عبادت و بویژه نماز جماعت و پوشش نامناسب و بدحجابی و سهل انگاری در مراقبت و یا سوء استفاده از امکانات عمومی و اسراف در مصرف آب و برق و گاز و تلفن و لوازم التحریر و کامپیوتر و استفاده شخصی و غیر مجاز از این امکانات و تجمل گرایی در وسائل و ابزار اداری و اتاق کار و برگزاری جلسات پر هزینه و یا جلسات زائد و بی فایده اداری خصوصاً توسط مسئولان قسمتهای مختلف دانشگاه و اعمال نفوذ برای نیل به منافع شخصی و گروهی و خویشاوندی، سکوت در برابر نقض قوانین از سوی همکاران و سهل انگاری در انجام وظایف اداری و بی توجهی به حقوق و مشکلات مراجعه کنندگان و کم کاری و عدم رعایت انضباط مالی و زمانی از نظر ساعت اداری، بوروکراسی و کاغذ بازی های غیر ضروری و سرگردان کردن و ناراضی نمودن دانشجویان و محول کردن وظایف وقت اداری به خارج از وقت به قصد دریافت اضافه کاری و ریا کاری و سوء استفاده از موقعیت شغلی و مثلاً درخواست نمره برای یک دانشجو از اساتید، و طمع ورزی و رشوه گیری برای انجام وظایف و یا تغییر نمره و یا فروش سوالات امتحانی و افشاء اسرار خانوادگی دانشجویان؛ چرا که بعضی از کارمندان نسبت به فرم مشخصات و شماره تلفن و پرونده مشاوره روانی و خانوادگی دانشجویان دسترسی دارند و البته امیدواریم که موارد مطرح شده وجود نداشته باشد ولی به هر حال اینها از مصادیق منکر محسوب می شود.

مصادیق منکرات و خطرات و مخاطرات و مشکلات در سطح دانشجویان نیز علاوه بر موارد مشترک با سطح اساتید و کارمندان مانند ضعف ایمانی و سستی اعتقادات مذهبی که می تواند ناشی از عدم توجه والدین به تربیت دینی فرزندان و تاثیر پذیری از جنگ روانی و تهاجم فرهنگی باشد که تلاش سازماندهی شده دشمنان به قصد سلطه فرهنگی بر کشور ما است (ولایتی، 1385) موارد زیر را نیز در بر می گیرد: بی تجربگی و یا کم تجربگی، و تصمیم گیریها و عملکردهای خام و سطحی و نوسان اندیشه و رأی منجر به افراط و تفریط و درگیر شدن در دام دیدگاهها و اندیشه های انحرافی و به ظاهر جذاب گردد. مقام معظم رهبری در این مورد می فرمایند: «نسل جوان همه چیزش خوب است جز بی تجربگی، هر چه هم که شما بگویید نه، بی تجربه نیستیم همان اصرارتان دلیل بی تجربگی است» (مقام معظم رهبری، 1383) از سوی دیگر روحیه آمادگی دانشجویان برای اعتراض و برانگیختگی می تواند موجب بی نظمی و آشفتگی و اغتشاش گردد و کنجکاوای فکری و اندیشه پرسشگر یک امتیاز محسوب می شود که نسل دانشجویان از آن برخوردار است، اما همین امتیاز گاه و بیگاه نقطه ضعف می شود و دانشجویان را در معرض لغزشها و آسیب های فکری و فرهنگی و مکاتب انحرافی قرار می دهد: «دانشجو. . در معرض نفوذ آسیبهای فرهنگی و بی مبادلاتی در مقابل دین و بی تفاوتی در مقابل ارزشهای دینی و انقلابی است. این یکی از مشکلات محیط دانشجویی و دانشجویست. « (مقام معظم رهبری، 1380) مشکل دیگر نظام آموزشی جدید، دنیامداری و ثروت طلبی و شهرت طلبی و مدرک گرایی است: «مشکل سوم، همین مشکل مدرک گرایی و توجه وافر به زندگی مادی و احلام جوانی است. . این هم مشکل بزرگی است که بایستی به فکرش بود، چون به علم لطمه می خورد. « (مقام معظم رهبری، 1383) یکی از مسائل دیگر آن است که دانشجویان تعبد پذیر مطلق نیست و در تعبد خود، نوعی تعقل و ارزیابی را

می جوید و به فلسفه ها و علتها توجه نموده و درصدد ارضای عقل و خرد خویش را در امور دین و دنیای خود بر می آید و این ویژگی موجب می شود که از زندگی در ابهام رنج برد و کمبود و یا فقدان اطلاعات و پاسخ ها را بر نتابد و بنیاد تعبد او تضعیف گردد. «دانشجو دلش می خواهد وجه این کاری را که به آن تعبد کرده است بداند، اگر ندانست تدریجاً دچار شبهه و ابهام می شود، این ابهام او را حتی در نفس تعبد هم ضعیف می کند و تعبدش رفته رفته ضعیف می شود پس یکی از مشکلات دانشجویان این است» (مقام معظم رهبری، 1383) دانشجویان همچنین اهل درد و دغدغه است و از ضعفها و نارساییها بر می آشوبد و دشمنان با استفاده از این ویژگی تلاش می کنند تا با تلقین بزرگ نمایی ضعفها و کمبودها و سیاه نمایی، روح امید و شور و نشاط را از نسل جوان و خصوصاً دانشجویان بگیرند: «جوانان عزیز، دشمن روی شما سرمایه گذاریهای زیادی می کند، حواستان جمع باشد، عده ای را به بی تفاوتی می کشاند و عده ای را دلسرد و مأیوس می کند. یأس بزرگترین آفت جوان است. « (مقام معظم رهبری، 1383) در سخنی دیگر مقام معظم رهبری فرموده اند: «تا وقتی که مشاهده می کنید در وجود خودتان انگیزه و نشاط برای تحرک اسلامی و سازندگی اسلامی هست به آینده با چشم خوش بینی نگاه کنید. دغدغه خوب است؛ ناامیدی بد است» (مقام معظم رهبری، 1383) تاکید مقام معظم رهبری بر حفظ نشاط سیاسی در دانشگاه

همراه با پرهیز از سیاست بازی است: «باید مراقبت کرد که محیط دانشجویی میدانی برای تاخت و تاز سیاست بازان حرفه ایی نشود، این که یک نفر از آن طرف بلند شود برای خاطر یک غرض سیاسی و یک هدف ناسالم، دانشگاه را به هم بریزد و عده ای از دانشجویان را مشوش کند این هم اصلاً قابل قبول نیست.» (مقام معظم رهبری، 1383) مشکل دیگری که می تواند برای بعضی دانشجویان مطرح باشد بحران هویت اجتماعی و گرایش به الگوهای غربی است (ملکوتیان، 1382) و اینکه نقش و جایگاه خود را در زندگی و در جامعه نشناخته اند: «آن مشکلی که به نظر بعضی ها شاید مهمترین مشکل باشد، مشکل بی هویتی و عدم درک رسالت واقعی در قبال جامعه در قبال خودش و در قبال تاریخ و آینده است.» (مقام معظم رهبری، 1380) «دشمن می خواهد هویت جوان ایرانی را از او بگیرد و اهداف را از بین ببرد» (مقام معظم رهبری، 1385) و در همین راستا یک مشکل دیگر، تاثیرپذیری از فرهنگهای بیگانه و ناتوی فرهنگی و دچار شدن به ابتذال و همینطور استفاده از پوشش نامناسب و بدحجابی و گرایش به الگوهای غربی است. مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند: «یک مشکل، مشکل دچار شدن به ابتذال و بی تفاوتی و نفوذ پذیری در مقابل فرهنگ های بیگانه و مضر است. دانشجو در معرض این فرهنگها قرار می گیرد و این مشکل دانشگاههاست، چرا وقتی کسی وارد حوزه می شود قاعدتاً متدین خارج می گردد اما وقتی داخل دانشگاه می شود قاعدتاً متدین خارج نمی گردد؟ چرا باید این طور باشد؟ دانشگاه محیطی است که به خاطر کثرت جوان در سنین خاص در معرض انواع و اقسام انگیزه ها و گرایشهای اخلاقی و فرهنگی ناسالم قرار گرفته است.» (مقام معظم رهبری، 1383) مشکل دیگر استفاده از دخانیات و یا گرایش به اعتیاد در میان برخی دانشجویان می باشد. (صارمی، 1380) به گفته مدیر کل فرهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر، حدود 20 درصد از دانشجویان در معرض خطر مصرف مواد مخدر هستند (آوای شرق، 1386) و غفلت از عوامل گرایش جوانان به سوی اعتیاد نه تنها برای دانشگاهها بلکه برای جامعه و کشور ما بحران زا خواهد بود (رفیع پور، 1384) و عوامل فردی مانند ویژگیهای شخصیتی و سست شدن ارزشهای دینی در نزد فرد و اضطراب و استرس و اختلال روانی و افسردگی و یأس و سرخوردگی و ناامیدی (علی محمدزاده، 1385) و فقر شخصیتی و فشارهای روانی و بیکاری و شتابزدگی و احساس دلنگی نسبت به خانواده و عدم اعتماد به نفس و عوامل اجتماعی و خانوادگی مانند از هم پاشیدگی و اختلافات درونی خانواده و سخت گیری یا آسان گیری افراطی و خود باختگی فرهنگی و تاثیر پذیری از الگوهای نامناسب و آرزوهای غیر ممکن و بلند پروازانه و مثلاً دستیابی یک شبه به ثروت، بیکاری و نابرابری اقتصادی و نداشتن امکانات رفاهی و عدم توجه به ورزش و فرار از مشکلات به جای تلاش فکری و منطقی و عملی برای رفع مشکلات از جمله عواملی هستند که در ایجاد معضلاتی مانند گرایش به اعتیاد و یا خودکشی در میان دانشجویان تاثیر گذار می باشد. و نیز همنشین و دوست بد که به تعبیر شاعر نکته سنج: تا توانی می گریز از یار بد، یار بد بدتر بود از مار بد، مار بد تنها ترا بر جان زند، یار بد بر جان و بر ایمان زند؛ (قزائنی، 1382) بنابراین بطور خلاصه می توان گفت مشکلات و مخاطرات و مصادیق منکر در سطح دانشجویان عبارتند از: ضعف ایمان و ضعف و تعهد دینی، بحران هویت و از خودباختگی و تاثیر پذیری از تهاجم فرهنگی و غربزدگی بعنوان روشنفکری و غفلت از

دشمنان، عدم توجه به علم آموزی و دانش پژوهی بعنوان وظیفه اصلی، سیاست زدگی و یا انفعال و بی تفاوتی و افسردگی و یأس و ناامیدی و یا پرخاشگری و تندخویی و عدم توجه به احترام و شأن استاد و یا چاپلوسی و دروغگویی و فرافکنی برای سلب مسئولیت و توجیه کم کاری و عدم انجام تکلیف درسی، احساس رهایی (در میان برخی دانشجویان، خصوصاً اگر دور از خانواده و در شهر دیگری به دور از خانواده خود باشند)، بی تجربگی و آسیب پذیری در مقابل لغزشها و انحرافات فکری و گرایش به عرفان های جعلی و گرایش به سوی تمایلات و هواهای نفسانی و حب و بغض ها و جهت گیری های سطحی تحت تاثیر گرایشات نفسانی است: چون غرض آمد هنر پوشیده شد، صد حجاب از دل به سوی دیده شد (شریفی، 1379) و نیز شهرت طلبی و راحت طلبی و تجمل گرایی و ضعف بینش دینی و نداشتن آگاهی درست از ماهیت دین و نقش و کارکرد آن در تامین سعادت دنیوی و اخروی انسان و تصور ناکارآمدی دین و جهل و عدم آگاهی و فقدان فرهنگ دینی و ضعف ایمان و بی توجهی به موازین شرعی، خصوصاً در رابطه با جنس مخالف بعنوان نامحرم و وجود دوستی های دختر و پسر (که بخش قابل توجهی از مشکلات مطرح شده در جلسات مشاوره را به خود اختصاص می دهد) و ابتذال و عدم رعایت حجاب اسلامی و پوشش نامناسب و آرایش و جلوه گری (خصوصاً در رابطه با بعضی دختران دانشجو) می باشد و شگفت است که هرگاه صحبت از پوشش مناسب و حجاب اسلامی مطرح می شود، بعضی ها ممکن است بگویند که شما شخصیت زن را جدی نگرفته اید و می خواهید او را در خانه محبوس سازید، در حالیکه باید گفت اتفاقاً چون در تفکر اسلامی، زن باید بعنوان یک انسان بصورت جدی وارد اجتماع شود، لازم است دست از آرایش و تجمل گرای و خودنمایی بردارد (خصوصاً در دانشگاه، بعنوان یک محیط علمی و فرهنگی) و باید توجه داشت که بی بند و باری در پوشش و لباس ممکن است موجب بی بند و باری در غرایز و تمایلات و هواهای نفسانی گردد و بعضی از لباسهایی که استفاده می شود، از آن جهت که تنگ و بدن نما و چسبیده به تن است، با روح فرهنگ اسلامی منافات دارد و حق این است که لباس و پوشش زنان و مردان، با الهام از ادب و اخلاق اسلامی تغییر کند و از این صورت تقلیدی غربی بدرآید. (حداد عادل، 1372) در فرهنگ غربی غایت علم، صرفاً تصرف بیشتر در طبیعت و کسب سود و لذت مادی است. (طاهرزاده، 1386) در حالیکه در تعلیم و تربیت اسلامی، هدف، دستیابی به تخصص همراه با تعهد و بطور خلاصه انسان سازی و رشد و کمال انسان است و لذا فلسفه تعلیم و تربیت در اسلام با فرهنگ غربی متفاوت است.

از سوی دیگر مسائلی مانند نمره محوری و صرفاً توجه به محفوظات و حفظ آموخته های استاد و شیوه خطابه یکسویه توسط استاد و عدم بحث و تبادل نظر دانشجو (برخلاف نظام آموزشی حوزه) و عدم توجه به پرورش استعدادها و عدم توجه به نوآوری و شکوفایی و خلاقیت علمی و معنوی و کمبود امکاناتی مانند کتابخانه های غنی و کامپیوتر و آزمایشگاه و وسایل آزمایشگاهی و فرار مغزها بدلیل عدم وجود امکانات پژوهشی و یا عدم احساس مسئولیت و تعهد و عدم پیوستگی میان علوم نظری و علوم عملی و تصور جدایی علم و دین و عدم توجه کافی به وحدت حوزه و دانشگاه و جدایی دانشگاه از بخش صنعت و کشاورزی و همچنین عدم توجه به کلاسهای دروس

معارف و برگزاری این کلاسها در برخی ساعات و مکانهای نامناسب و نبود یا کمبود وسایل کمک آموزشی و اختلاط جنسیت بصورت نامناسب و عدم توجه به تقوا و تهذیب نفس و سازندگی اخلاقی و تربیتی و عدم رعایت موازین شرعی در روابط دختر و پسر و عدم توجه به دشمن شناسی و نیز عدم وجود متون درسی مناسب و معرفی منابع صرفاً ترجمه شده و توجه به نظریات غربیها بعنوان منابع اصلی و غیر قابل نقد و عدم توجه به نوآوری و تولید علم و بومی سازی علم و آموزه ها و تعالیم اسلامی، خصوصاً در رابطه با رشته های علوم انسانی می تواند از جمله مصادیق منکر و مشکلات مربوط به نظام آموزشی و محیط دانشگاه می باشد که باید با توکل بر خداوند و اعتماد به نفس و خود باوری و خود آگاهی و امر به معروف و نهی از منکر بتدریج مورد اصلاح قرار بگیرد و باید توجه داشت که ترک امر به معروف و نهی از منکر باعث سلب برکات الهی و فراموشی آرمانهای انقلاب و خون شهدا و تضعیف ارزشهای اخلاقی و گسترش رذایل اخلاقی و ناهنجاریهای اجتماعی و غرق شدن در گرداب گناهان و هدر رفتن استعدادهای جوانان دانشجو و ظرفیت های علمی و نفوذ دشمنان و عناصر فرصت طلب و مکاتب انحرافی به دانشگاه و در نتیجه سلطه بیگانگان بر کشور و تضعیف دستاوردهای انقلاب و در مقابل احیاء امر به معروف و نهی از منکر، موجب برپایی واجبات و احکام الهی و اسباب کسب رضای خداوند متعال و احیاء خوبیها و رفتار پسندیده و مایه دلگرمی و امیدواری مومنان و اصلاح امور دین و دنیا و مقابله با نفوذ و سلطه و فتنه دشمنان و حفظ استقلال دانشگاهها و کشور و زمینه ساز شکوفایی و نوآوری و به فعلیت رسیدن استعدادهای بالقوه و تحقق انسان سازی در دانشگاهها خواهد بود.

«ان شاء الله . . .»

نتیجه گیری:

دانشگاهها یک از مراکز مهم تعلیم و تربیت بوده و نقش تاثیر گذار و تعیین کننده ای در رشد و تکامل و یا افول وضعیت حال و آینده کشور دارند. دانشگاهها، کانون و منبع سرشار از ظرفیت ها و استعداد های بالقوه جوانان می باشد و جمعیت عظیم جوانان در دانشگاهها، همانند یک رودخانه موج و پرفیض و با برکت می باشند که بصورت مستمر جریان داشته و اگر اهمیت این رودخانه شناخته شده و به سرچشمه نیز نظارت شده و حرکت آن در مسیر صحیح هدایت گردد، آنگاه هزاران مزرعه و باغستان از این نعمت الهی آباد خواهد شد و موجبات سرسبزی و خرمی و نشاط و برکت و آبادانی را فراهم نموده و بعنوان منبع عظیم انرژی کل کشور را در مسیر فعالیت و تلاش و پیشرفت و سازندگی قرار می دهد و در مقابل اگر این رودخانه موج، به حال خود رها شده و در مسیر صحیح کنترل نشده و تحت نظارت و هدایت قرار نگیرد، به مزارع نخواهد رسید و هدر خواهد رفت و یا به سیل مخرب و یا به باتلاق و مرکز تجمع آفتها تبدیل می شود و لذا لازمه ایفاء نقش مثبت و سازنده دانشگاهها در

جامعه، برنامه ریزی و دقت و حساسیت و نظارت و هدایت و در همین راستا شناخت مصادیق معروف و منکر و تقویت و گسترش معروف و نقاط قوت و کاهش منکر و نقاط ضعف از طریق اجراء اصل امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاهها بعنوان یک شیوه کارآمد و یک مکانیسم موثر برای فراهم نمودن زمینه مساعد برای تحقق آموزش همراه با پرورش و تعلیم همگام با تربیت و خلاقیت و نوآوری و شکوفایی ظرفیت ها و استعدادهای بالقوه و سازندگی علمی و اعتلای اخلاقی و معنوی در جهت رشد و کمال و قرب الهی می باشد.

فهرست منابع:

- قرآن کریم
نهج الفصاحه
نهج البلاغه
مفاتیح الجنان
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره)
- 1- آیت الله خامنه ای، 1379، رهنمودهای نظام معظم رهبری در جمع کارگزاران نظام؛ منشور اصلاحات، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، تهران.
 - 2- آیت الله خامنه ای، 1386، جوان از منظر رهبری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، تهران.
 - 3- حاضری، محمد علی، 1378، خودباختگی، و خودباوری از دیدگاه امام خمینی (ره)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)، (عروج)، چاپ سوم، تهران.
 - 4- حداد عادل، غلامعلی، 1372، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، انتشارات سروش، چاپ پنجم، تهران.
 - 5- جواهری، محمد رضا، 1377، حدیث بیداری مسلمین، انتشارات محقق، چاپ اول، مشهد.
 - 6- دفتر مقام معظم رهبری، 1383، دانشگاه و دانشجو در آینه رهنمودهای مقام معظم رهبری، نشر بین الملل، چاپ اول، تهران.
 - 7- دفتر نشر معارف، 1383، اخلاق تدریس در آئینه آیات و روایات، انتشارات معارف، چاپ اول، قم.
 - 8- ذاکری، علی اکبر، 1384، اخلاق مسئولان نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)، انتشارات عروج، چاپ اول، قم.
 - 9- رفیع پور، فرامرز، 1384، توسعه و تضاد، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، تهران.
 - 10- شاه آبادی، محمدرضا، 1382، توصیه های ماندگار، انتشارات اندیشه های گوهر بار، چاپ اول، تهران.
 - 11- شعاع، محمد، 1383، نماز جماعت، انتشارات جامعه القرآن کریم، چاپ اول، قم.

- 12 - شریفی، احمد حسین، 1379، خردورزی و دین باوری، موسسه دانش و اندیشه معاصر، چاپ هفتم، تهران.
- 13 - شریفی، احمد حسین، 1386، آیین زندگی و اخلاق کاربردی، انتشارات معارف یا چاپ هفتم، قم.
- 14 - صارمی، نوذر امین، 1380، خرده فرهنگها و انحرافات اجتماعی، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، چاپ اول، تهران.
- 15 - طباطبائی، محمد حسین، 1373، شیعه در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ نهم، قم.
- 16 - طاهرزاده، اصغر، 1386، فرهنگ مدرنیته و توهم، انتشارات میزان، چاپ اول، اصفهان.
- 17 - کوچنایی، قاسمعلی، 1376، فرهنگ اخلاق، انتشارات الحوراء، چاپ اول، تهران.
- 18 - علی محمدزاده، خلیل، 1385، پیام مشاور، انتشارات فردوس، چاپ سوم، تهران.
- 19 - عزیزیان، فاطمه، 1385، روانشناسی موفقیت، انتشارات نسیم حیات، چاپ دوم، قم.
- 20 - فلاح زاده، محمد حسین، 1384، احکام دین، انتشارات مشعر (سازمان حج و زیارت)، چاپ یازدهم، تهران.
- 21 - قرائتی، محسن، 1383، گناه شناسی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، تهران.
- 22 - محدثی، جواد، 1381، راه رشد، انتشارات ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر، چاپ اول، تهران.
- 23 - محمدی اشتهاردی، محمد، 1381، گفتاری از چهارده معصوم، انتشارات انصاریان، چاپ هفتم، قم.
- 24 - مطهری، مرتضی، 1381، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، انتشارات صدرا، چاپ بیست و پنجم، تهران.
- 25 - مطهری مرتضی، 1382، صدگفتار، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ پنجم، تهران.
- 26 - مسعودی، محمد اسحاق، 1383، اصلاحات و امر به معروف و نهی از منکر، انتشارات ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر، چاپ اول، تهران.
- 27 - ملکوتیان، مصطفی، 1382، انقلاب اسلامی (چرایی و چگونگی)، انتشارات معارف، چاپ سی ام، قم.
- 28 - ملکی، علی، 1382، امام خمینی (ره) (زندگی، اندیشه و وصایا)، انتشارات به باوران، چاپ اول، تهران.
- 29 - مظلومی، رجبعلی، 1386، گامی در مسیر تربیت اسلامی، انتشارات آفاق، چاپ دهم، تهران.
- 30 - ناصر، ابراهیم، 1380، بررسی تطبیقی تربیت دینی، مترجم: علی حسین زاده، انتشارات موسسه امام خمینی (ره)، چاپ اول، قم.
- 31 - نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، 1384، پرسمان، مجموعه پرسش و پاسخ دانشگاهیان با مقام معظم رهبری، انتشارات معارف، چاپ دوم، قم.
- 32 - ولایتی، علی اکبر، 1385، بحران های تاریخی هویت ایرانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، تهران.